

تاریخچه زبان فارسی در حیدرآباد دکن و وضعیت کنونی آن

ابوالقاسم رادفر

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی)

علم و عمل و دانش و عرفان گرفتیم
ما هر چه گرفتیم از ایران گرفتیم

ارتباط سیاسی و فرهنگی میان ایران و هند به روزگار پیش از میلاد مسیح می‌رسد. زیرا در کتیبه‌های هخامنشی اسمی از هند آمده و در کتیبه‌های آشوک هم تأثیر فرهنگ و هنر هخامنشی آشکار است. در دوره ساسانیان روابط فرهنگی دو کشور مستحکم‌تر از گذشته شد و قصه‌های «پنج‌تنترا» و شطرنج از هند به ایران آمد و تأثیر نقاشی ایرانی در «اجتنا» در این دوره مشهود است.

در دوره‌های اسلامی که دوران طلایی و اوج شکوفایی زبان فارسی به شمار می‌آید، گسترش فرهنگ و تمدن و زبان ایرانی - اسلامی با جنگ‌های محمود غزنوی شروع شد و در طی دورانی طولانی تقریباً تا تسلط انگلیسیان بر شبه قاره - که وسایل تضعیف زبان فارسی را فراهم آوردند - یعنی از سال ۳۶۹ تا ۱۲۷۵ ه.ق. زبان رسمی و درباری و زبان محکمه‌ها و دفتر محاسبات و مالیات و زبان شعر و ادب و نشانه بزرگی و افتخار بود و کارگزاران آن، دستاوردهای علمی، فرهنگی، ادبی، تاریخی و دینی بسیار به وجود

آوردند. شخصیت‌های ایرانی بسیار به هند رفتند و باعث رشد و شکوفایی فرهنگ ایرانی-اسلامی شدند. همچنین بسیاری از هندیان دانشمند تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و ایرانی موجبات ارتقای زبان فارسی و فرهنگ و تمدن و هنر اسلامی-ایرانی را فراهم آوردند.

مهم‌ترین عوامل نفوذ زبان فارسی در هند عبارتند از وجود حکمرانان مسلمان و مرتبط با فرهنگ و تمدن و زبان ایرانی از یک طرف و هم‌ریشه بودن زبان‌های ایران و هند و همچنین همسایگی جغرافیایی و علی‌الخصوص راه یافتن اسلام و فرهنگ اسلامی از طریق زبان فارسی به هند و نفوذ و گسترش تصوّف و این که زبان فارسی زبان تعلیم اسلام، تجارت و زبان ادب بوده است و بسیاری عوامل دیگر نیز موجبات رسوخ و رشد زبان فارسی در هند شده‌اند. انتخاب نام‌های ایرانی یا ترکیبی از آنها، و وجود اسامی فارسی برای بیشتر اعضای بدن، کلمات خویشاوندی، نامگذاری غذاها، لباس‌ها، جاها، ظروف، میوه‌ها، ناسزاها، برخی اصوات، واژه‌های سفر و سواری، پزشکی، نجاری، معماری، موسیقی و ضرب‌المثل‌ها نمونه‌هایی از این تأثیر هستند.

سرزمین پهناور هند گذشته از ارتباط دوران باستانی بیش از هشتصد سال یکی از مراکز مهم زبان فارسی و فرهنگ اسلامی بود ولی بعد به چند سبب این رشد و بالندگی رو به کاهش و زوال گذاشت. اهمّ این عوامل زوال که از اواخر سده یازدهم یعنی از عهد اورنگ زیب شروع شده بود عبارتند از: تسلط دولت استعماری انگلیس که موجب فروپاشی حکومت پادشاهان گورکانی شد، و این که زبان انگلیسی را بعد از تقویت و کاربرد زبان اردو - به منظور تضعیف زبان فارسی - جایگزین آن کردند. این امر موجب شد که روزه‌روز از تعداد فارسی‌زبانان هند کاسته شود و به مرور زمان مقام خود را از دست دهد. اگرچه آثار و نشانه‌های زبان فارسی کاملاً از بین نرفتند، لیکن به هیچ وجه اعتبار گذشته را حفظ نکرد و سال به سال بر اثر بی‌توجهی برخی از مسؤولان فرهنگی و بروز عوامل دیگر از جمله رواج صنعت چاپ، ترقی کردن و رونق یافتن زبان‌های محلی، کاهش اعتبار ایران در منطقه بویژه پس از دوره آغامحمدخان، جایگیری زبان اردو به جای فارسی و ایجاد نوعی بی‌نیازی در مسلمانان به زبان فارسی، منظور نمودن زبان فارسی در ردیف زبان‌های رسمی هند، عدم تأمین شغلی فارغ‌التحصیلان، بی‌توجهی و عدم سیاست‌گذاری صحیح درباره زبان فارسی در منطقه، تیرگی روابط هند با ایران پس از شکست گورکانیان از ارتش صفوی در قندهار، تعصب اورنگ زیب در مذهب حنفی و

بی‌مهری او به شیعیان و ایرانیان، همچنین بی‌توجهی او به شعر و شاعران ایرانی، توقف رفت و آمد بین ایرانیان و هندیان، فعالیت انگلیس برای قطع روابط ایران و هند، توطئه‌های استعماری برای تضعیف وحدت اسلامی و دولت‌های منطقه، احیای زبان‌های محلی و الفباهای قدیم به وسیله انگلستان، تأسیس کالج «فورت ویلیام» و چاپخانه آن در کلکته برای چاپ کتاب‌های اردو، نهضت تألیف و ترجمه به اردو، نشر روزنامه به اردو و زبان‌های محلی، فعالیت مبلغان مسیحی برای ترویج و تعمیم این زبان‌ها، بی‌اعتنایی دولت انگلیسی هند به فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی، ضعف فرهنگی و سیاسی ایران در اواخر عهد صفوی، غارت هند و قتل عام دهلی (۱۱۵۱ ق.) به وسیله نادرشاه افشار روزه‌روز از رونق زبان فارسی کاسته گردید.

اگرچه فارسی‌زدایی در دوران استعمار به طور پیگیر در هند ادامه داشت، اما تا قبل از استقلال هند و پاکستان زبان فارسی هنوز برای مسلمانان زبان درجه اول اسلامی و ادبی و نشانه نجابت و کمال بود و با این که به دستور مقامات انگلیسی، زبان فارسی رسمیت خود را از دست داد تا اوایل قرن حاضر هنوز این زبان، زبان شعر و ادب و زبان نشر اکثر جراید لاهور و دهلی و کلکته و لکهنو و بمبئی بود. ولی پس از استقلال هند و پاکستان، چه دولت‌های هندو و چه دولت‌های مسلمان کمر به مبارزه جدی با زبان فارسی بستند و نخستین کاری که کردند حذف آن از برنامه‌های دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها بود.

هندیان زبان فارسی را زبان اسلام و یادگار سلطه مسلمانان بر هند شمردند و پاکستانی‌ها به بهانه این که اردو زبان رسمی آن کشور است، تدریس فارسی را منافی شرف ملی خود پنداشتند.

در دانشگاه‌های شبه قاره، فارسی در ردیف زبان‌های قدیمی و کهنه مثل سریانی و یونانی و عبری قدیم قرار گرفت. دانشجویان فارسی هم در سال‌های اخیر اکثراً مسلمان هستند که گاهی از بورس‌های ایران استفاده می‌کنند ولی به دلیل نداشتن آینده روشن و در اختیار نداشتن کتاب و استاد قابل، ترجیح می‌دهند که به رشته عربی بروند زیرا هم آتیه بهتری برای آنان وجود دارد و هم از بورس‌های قابل ملاحظه کشورهای عربی یا اوقاف محل استفاده می‌کنند. از این رو است که زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره با این که در بالغ از صد دانشگاه هنوز تا سطوح فوق‌لیسانس و دکتری تدریس می‌شود و استادان برجسته هم وجود دارند که برخی با جان و دل و شوق و ذوق به امر آموزش و

تحقیق مشغولند متأسفانه به علل ذکر شده و عوامل دیگر رونق و اعتلا و شکوه گذشته را ندارد و جا دارد که بسیجی همگانی در راه احیا و ترقی آن و باز آوردن آب رفته به جوی بشود. روش‌هایی برای حصول تدریجی این هدف وجود دارد که در کتاب‌ها و مقالات مختلف ارائه و پیشنهاد شده‌اند مثل کتاب مسائل زبان فارسی در هند و پاکستان و بنگلادش (انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۴۹ تا ۵۵). (در نوشتن این مطالب از مقاله دکتر مشایخ فریدنی در کتاب مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایرانشناسی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ص ۳۶۶ تا ۳۷۰ استفاده کرده‌ام).

با توجه به مطالب بالا وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دکن و مرکز آن حیدرآباد را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم. حکمرانان دکن خود را وابسته به ایران می‌دانستند و غالباً شیعه اثناعشری بودند و بعد از ظهور صفویان، در ایران خطبه به نام شاهان آن خاندان می‌خواندند. پادشاهان بهمنی که تعداد آنان هیجده نفر بود در حدود دو قرن (از ۱۳۴۷ تا ۱۵۲۸ م.) بر شمال دکن حکومت کردند. آنان در پایتخت‌های سه گانه خود، دولت آباد، گلبرگه و بیدر، همواره مشوق علما و دانشمندان و شعرا و ادبا و هنرمندان بودند که آثار برجای مانده بسیار از دوره بهمنیان گویای این واقعیت است. آنان که ایرانی‌نژاد بودند و خود را از تبار بهمن پسر اسفندیار می‌دانستند خاندان شاه نعمت‌الله ولی را از کرمان به دکن - دولت آباد - دعوت کردند و مقامات دولتی را به ایشان سپردند که شاه خلیل‌الله معروف به بت‌شکن یکی از مشاهیر آنان است. سلطان احمد بهمنی (م ۸۳۸ ق.) ممدوح آذری اسفراینی مصنف بهمن نامه دست ارادت به شاه نعمت‌الله داد و از سوی شاه نعمت‌الله تاج سبزرنگ دوازده ترک برای وی فرستاده شد که بر سر نهاد و تشییع را در دکن رونق بخشید.

داستان دعوت حافظ به دکن به وسیله شاه محمود بهمنی و شخصیت خواجه محمود گاوآن گیلانی صدر اعظم بهمنیان صاحب کتاب‌های معروف ریاض الانشاء و مناظر الانشاء نشانه‌هایی از ادب‌پروری و توجه به احیا و رواج زبان فارسی و رواج تشییع در دکن در عهد او هستند. سقوط و فروپاشی تدریجی سلطنت بهمنی موجب تجزیه سلطنت بهمنی به پنج حکومت مجزا شد. منطقه بَرار تحت فرمان فتح‌الله عمادشاه درآمد که در ۱۴۸۴ م. اعلام استقلال کرد. این سلسله در ۱۵۷۴ جذب سلطنت احمدنگر (یکی دیگر از انشعابات سلطنت بهمنی) شد. سلسله احمدنگر توسط ملک احمد در

سال ۱۴۹۰ م. استقلال خود را اعلام کرد. در همان سال یوسف عادلشاه که در زمان بهمنیان فرمانروای بیجاپور بود نیز حکومتی مستقل تشکیل داد. قلی قطب‌شاه که در ایام سلطنت بهمنیان فرماندار تلنگانه بود در سال ۱۵۱۲ م. برای خود حکومتی مستقل در گلکنده تأسیس کرد. در این هنگام سه سلطنت عمده شیعی مذهب در جنوب قدرت داشتند: احمدنگر، بیجاپور و گلکنده، اعتقادات مذهبی این پادشاهان موجب تقویت و گسترش روابط نزدیک سیاسی و فرهنگی میان ایشان و دولت صفویه (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م) شد.

اغلب پادشاهان این سلسله‌ها شاعر و ادیب و هنرپرور بودند و از برخی از آنان دیوان شعر فارسی و اردو برجا مانده است و دربار آنان پناهگاه ادبا و شاعران و هنرمندان و دانشمندان ایران و دیگر نواحی بوده است. آثار باقیمانده در زمینه تصنیف و تألیف و نیز آثار تاریخی و باستانی در دکن آنقدر زیاد هستند که فقط فهرست اجمالی آنها خود کتاب‌ها می‌شود. وجود شخصیت‌های برجسته همچون خواجه محمود گاوآن، آذری اسفراینی، ملاسامعی، عصامی در دوره بهمنیان و میرمؤمن استرآبادی، علامه ابن خاتون و بسیاری شاعران (بالغ بر صد نفر) که از ایران به دربارهای این سلاطین منتسب بودند نشان دهنده رشد و رواج زبان فارسی در این منطقه است. وجود کتابخانه‌های بزرگ سرشار از نسخ نفیس و گاه کمیاب و نادر خطی فارسی مانند کتابخانه السنه شرقی (O.M.L)، آرکائیوز، موزه سالار جنگ، اداره ادبیات اردو و کتابخانه مرکزی دانشگاه عثمانیه و شهرهای دیگر دکن نشان دهنده توسعه زبان و ادب و سرپرستی از حاملان علم و فرهنگ و پاسداران زبان فارسی است.

بنابراین سرگذشت زبان فارسی در دکن و حیدرآباد بسیار مفصل است، حتی در دوره‌های بعد بویژه در دوره آصفجاهیان زبان و ادبیات فارسی سخت مورد علاقه پادشاهان و دولتیان بوده و به نحو شایسته از آن حمایت می‌شده است. در این دوره است که دانشگاه عثمانیه تأسیس می‌شود.

دانشگاه عثمانیه که به نام بنیانگذار آن نواب میرعثمان علی خان نظام هفتم حیدرآباد در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷ خ) بنیاد نهاده شده یکی از بزرگترین مراکز مهم زبان فارسی به حساب می‌آید زیرا گروه زبان و ادبیات فارسی از آغاز تأسیس دانشگاه به طور باشکوه کار خود را شروع کرد و افراد برجسته‌یی چون پرفسور عبدالحمید، پرفسور محمدنظام‌الدین، پرفسور قاری کلیم‌الله، دکتر غلام دستگیر رشید و پرفسور مسعود

حسین خان (از استادان زبان اردو) تا سال ۱۳۵۷ ریاست گروه را برعهده داشتند. قبلاً دوره‌ی لیسانس زبان فارسی (B.A) هم در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه عثمانیه وجود داشت ولیکن از سال ۱۳۴۸ حذف شد و امروزه دانشکده‌ی ادبیات فقط دوره‌های فوق‌لیسانس (M.A)، پیش‌دکتری (M. Phil) و دکتری (Ph.D) دارد. البته از آن سال همواره بر تعداد دانشجویان M.A افزوده شد و از سال ۱۳۵۴ تعدادی دانشجوی پیش‌دکتری (M. Phil) در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی شروع به تحصیل کردند. از دوره‌ی جشن الماس (Diamond Jubilee = یعنی جشنی که شصت سال بعد از تأسیس دانشگاه برگزار شده) یک دوره‌ی دیپلم جهت مکالمه‌ی زبان فارسی جدید هم ایجاد شد. تا سال ۱۳۵۷ تعداد ده نفر به اخذ درجه‌ی Ph. D نائل آمدند و بیش از ۱۲ نفر رساله‌ی M.Phil پیش‌دکتری خود را گذرانده‌اند. در سال ۱۳۵۷ تعداد دانشجویان M.A ده نفر و پیش‌دکتری چهار نفر و پذیرفته‌شدگان دوره‌ی دکتری (Ph.D) هم ده نفر بوده‌اند.

پس از دوران ریاست گروه توسط پرفسور غلام دستگیر برای مدّت کوتاهی پرفسور مسعود حسین خان عهده‌دار ریاست گروه شد و بعد از او یعنی در همان سال ۱۳۵۷ خانم دکتر رضیه اکبر به سمت رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی انتخاب شد. وی یکی از استادان زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه عثمانیه است که آثار بسیار به زبان‌های فارسی و اردو منتشر کرده است (در بخش زندگینامه‌ی استادان زبان فارسی دانشگاه بدان‌ها اشاره خواهد شد). او در سال ۱۳۶۲ بازنشسته شد. بعد از وی خانم دکتر شریف‌النساء انصاری رئیس گروه شد که تا سال ۱۳۶۷ و زمان بازنشستگی در این سمت بود. مرحوم دکتر محمد عبدالمتّان هم اگر زنده می‌ماند به عنوان رئیس گروه پس از خانم دکتر انصاری انتخاب می‌شد. دکتر عبدالمتّان رساله‌ی دکتری خود را تحت عنوان زبان فارسی در عهد بهمتیان به راهنمایی پرفسور کلیم‌الله حسینی گذرانده بود.

همزمان با دکتر کلیم‌الله حسینی مرحوم دکتر لطیف احمد فاروقی در گروه تدریس می‌کرد، همچنین در زمان دکتر غلام دستگیر رشید، مرحوم دکتر فضل‌الله همکار او در گروه بود. سپس خانم سیده بشیرالنساء بیگم از ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ سمت ریاست گروه را داشت. بعد از سال ۱۳۶۹ خانم دکتر رفیق فاطمه برای مدّت دو سال به سمت ریاست گروه انتخاب شد. وی رساله‌ی دکتری خود را تحت عنوان زندگانی و آثار موسوی خان جرأت گذرانید. بعد از ۱۳۷۱ خانم بشیرالنساء بیگم مجدداً به سمت ریاست گروه انتخاب شده و پس از اتمام دو سال به علّت نپذیرفتن دکتر محمد یعقوب عمر ریاست

گروه را دوباره مسؤولیت گروه را پذیرفت و لیکن پس از دو هفته مجدداً خانم رفیق فاطمه مسؤول گروه شد که تا پایان سال ۱۳۷۵ ادامه داشت و اکنون خانم دکتر نجمه صدیقه مدیر گروه است.

علاوه بر گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه دانشکده‌های دیگر وابسته به دانشگاه عثمانیه دوره‌های زبان و ادبیات فارسی تا سطح لیسانس دارند. از جمله نظام کالج که ریاست گروه آن به عهده دکتر محمد یعقوب عمر است. نظام کالج یکی از ارکان مهم آموزش زبان فارسی از گذشته‌ی نسبتاً دور یعنی سال ۱۲۸۹ هجری - قدیم‌تر از دانشگاه عثمانیه - است. سیدمحمد علی داعی‌الاسلام صاحب فرهنگ پنج جلدی مفصل نظام از استادان و بنیانگذاران گروه زبان و ادبیات فارسی این کالج بود که علاوه بر شاعری و تألیف فرهنگ نظام خطابه‌ها و آثار دیگر برجای گذاشته است. شخصیت وی باعث شهرت و مقبولیت وی نزد دانشجویان و فرهنگدوستان بوده است. بعد از داعی‌الاسلام، دکتر غلام دستگیر رشید سمت استادی این دانشکده را در رشته زبان و ادبیات فارسی برعهده داشته است. این دانشکده فقط تا سطح لیسانس دانشجوی دارد. در این کالج زبان فارسی به عنوان زبان اول و دوم تدریس می‌شود و حدود ۶۰ دانشجو در این رشته مشغول تحصیلند. البته در سطح دیپلم هم دانشجویان زبان فارسی در نظام کالج آموزش می‌بینند که استادان این کلاس‌ها از سوی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عثمانیه اعزام می‌شوند.

کالج بانوان (Women's College) یکی دیگر از مراکز آموزش زبان فارسی در حیدرآباد و وابسته به دانشگاه عثمانیه است. استادان این دانشکده در گذشته خانم‌ها دکتر رضیه اکبر، دکتر شریف‌النساء انصاری، دکتر سیده بشیرالنساء بیگم و دکتر رفیق فاطمه بوده‌اند و اکنون استادان آن خانم‌ها دکتر نجمه صدیقه و دکتر زیب‌النساء (حیدر) هستند. ریاست گروه تا سال ۱۹۹۵ با خانم دکتر نجمه صدیقه بود. آقای محمد تنویرالدین خدانمایی که اکنون به عنوان مربی در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه تدریس می‌کند تا سه سال پیش در کالج بانوان تدریس می‌کرد.

کالج انوارالعلوم یکی دیگر از مراکز آموزش زبان فارسی است که در حدود پانصد دانشجوی روزانه و شبانه دارد که دوره شبانه آن ویژه دختران است. تعداد دانشجویان روزانه حدود ۳۵۰ نفر و در بخش شبانه آن ۱۵۰ نفر است که تمام آنان به وسیله خانم دکتر نجم‌النساء بیگم، جمال شریف و خانم رضیه سلطانه تدریس می‌شوند. این کالج در

سال ۱۳۵۲ تأسیس شده و شعبه فارسی آن در سال بعد بنیاد نهاده شده است. اولین معلم آن خانم رضیه سلطانه بوده است. این کالج تحت نظارت هیأتی وابسته به دانشگاه عثمانیه اداره می‌شود. غیر از سطح لیسانس در انوارالعلوم کلاس‌های متوسطه دانشگاهی (Intermediate) هم توسط خانم رضیه سلطانه تدریس می‌شود.

دیگر از مراکز آموزش زبان فارسی دانشکده پرنس شاهکار است که زبان فارسی در آن به عنوان زبان اول و دوم تا سطح لیسانس تدریس می‌شود. این مرکز هم تحت نظارت هیأتی وابسته به دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه اداره می‌شود. تنها استاد این دانشکده خانم دکتر اختر زیدی است.

دیگر از اساتید زبان فارسی در حیدرآباد خانم دکتر ذکیه سلطانه است که در دانشکده هنر و ادبیات وابسته به دانشگاه عثمانیه تدریس می‌کند. فارغ التحصیلات زبان فارسی در این دانشکده لیسانسیه (B.A) در رشته زبان شناخته می‌شوند.

دیگر پرئیسیدنسی کالج است که در ۱۳۶۹ تأسیس شده و زبان فارسی در آنجا تا سطح لیسانس به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود. این کالج حدود ۳۵ دانشجوی دختر و پسر دارد. مدرس این کالج در زبان فارسی خانم عدرا شاهین است که دوره پیش دکتری را در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه با پایان‌نامه‌یی تحت عنوان وضعیت شعر و شاعری و ادبیات فارسی در زمان سلطان محمد قلی قطب‌شاه می‌گذراند.

دیگر کالج شرقی (Oriental College) است که شبانه است و در آنجا زبان فارسی در سطح لیسانس توسط خانم عدرا شاهین تدریس می‌شود و در حدود ۲۵ دانشجوی پسر و دختر دارد.

ضمناً در انستیتوی هنری مارتین هم تدریس مقدمات زبان فارسی آغاز شده است که توسط دکتر محمد اسحاق عالم، دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی، انجام می‌گیرد.

همچنین تدریس زبان فارسی در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران - در مؤسسه‌یی که به منظور آموزش زبان فارسی و تحقیقات درباره آن و دیگر مسائل فرهنگی بویژه موارد مشترک حیدرآباد و ایران در سال ۱۳۷۴ شکل گرفته و به زودی به صورت یک کانون فعال در خواهد آمد - در سطوح سه گانه ابتدایی، متوسطه و عالی به وسیله این جانب و دیگر معلمان ایرانی آغاز شده که در آن کلاس‌ها در حدود ۶۰ نفر به فراگیری زبان فارسی مشغولند. تعداد این کلاس‌ها روز به روز رو به افزایش در سطح شهر است از جمله کلاس مقدماتی آموزش زبان فارسی در دربار حسینی - انجمن ایرانیان مقیم

دکن - توسط سرکنسولگری برگزار شده است. در تعقیب این هدف این جانب هفته‌ی دو روز در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه و دو روز در کالج بانوان، کلاس آموزش زبان فارسی داشتم (سال ۱۳۷۴).

همچنین در جامعه نظامیه حیدرآباد و بعضی از حوزه‌های دینی زبان فارسی تدریس می‌شود. ضمناً تا چند سال قبل در مؤسسه امام ضامن (ع) تدریس زبان فارسی رواج داشت که آقای سیدعباس موسوی و خانم دکتر زیب‌النساء (به مدت دو سال) و خانم فرحت نقوی و... در آنجا تدریس می‌کردند. همچنین در بعضی از دانشکده‌ها علاقه‌مندان به فراگیری زبان فارسی وجود دارند که متأسفانه استاد ندارند و به صورت متفرقه از استادان زبان فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه استفاده می‌کنند و تعداد آنان حدود ۳۰ نفر است. ضمناً توسط پرفسور اظهر دهلوی استاد زبان فارسی دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی و عضو هیأت تحصیلات مؤسسه مرکزی انگلیسی و زبان‌های خارجی و معاون انجمن استادان زبان فارسی سراسر هند پیشنهاد تأسیس مرکز آموزش زبان فارسی در کنار سایر زبان‌ها در مرکز زبان‌های خارجی در حیدرآباد شده و در این زمینه رئیس دانشگاه عثمانیه قول مساعد داده و خوشبختانه اخیراً موافقت حاصل شده و گفته‌اند که در صورت تأمین استاد و کتاب بزودی تدریس زبان فارسی آغاز می‌شود.

وضعیت گروه (در حدود سه سال قبل)

در آن هنگام تعداد هشت دانشجوی در رشته M.A (فوق لیسانس) تحصیل می‌کردند: سال اول دو دختر و دو پسر، و سال دوم سه دختر و یک پسر. در دوره پیش دکتري و دکتري افراد زیر تحصیل می‌کردند. عناوین پایان‌نامه‌های آنان نیز ذکر می‌شود:

آقای سیداعظم الحسینی (دانشجوی دکتري)، سادات مازندران در جنوب هند و آثار و خدمات فرهنگی آنان؛

خانم عزیز بانو (دانشجویان دکتري)، فتوح السلاطین، عصامی (تصحیح و حاشیه‌پردازی به زبان انگلیسی)؛

خانم شهناز رضوی (دانشجوی دکتري)، نقش پادشاهان «نظام» در پیشرفت زبان و

ادب فارسی (به انگلیسی)؛

خانم الطاف النساء بیگم (دانشجویان پیش دکتري)، پیشرفت زبان و ادب فارسی در

دوره پادشاهان آصفجاهی (به انگلیسی)؛

خانم عدرا شاهین (دانشجوی پیش دکتری)، وضعیت شعر و شاعری و ادبیات فارسی در زمان سلطان محمد قلی قطب شاه (به انگلیسی)؛

آقای عارف الدین فاروقی (دانشجوی پیش دکتری)، عروس عرفان از قاضی محمود بحری (تصحیح و حاشیه پردازی - به فارسی)؛

خانم فرحت نقوی (دوره پیش دکتری)، تأثیر زبان‌های محلی هند بر زبان و ادبیات فارسی در زمان قطبشاهیان (به انگلیسی)؛

آقای یعقوب مقصود (دوره پیش دکتری)، آثار و خدمات ادبی شاه راجو قتال حسینی (به انگلیسی)؛

خانم فراست (دوره پیش دکتری)، ؟

کتاب‌های درسی

فقط در دوره فوق‌لیسانس است که به طور مرتب در دو سال کلاس دارند، مدت دوره لیسانس در کالج‌ها سه سال است و زبان فارسی به عنوان زبان اول و دوم تدریس می‌شود. زبان اول مدّتش دو سال است که در این دو سال انتخابی از کتاب فارسی و دستور دکتر زهرا خانلری (جلد اول و دوم)، تاریخ ادبیات فارسی، دکتر رضازاده شفق؛ و در زبان دوم هم انتخابی از کتاب فارسی و دستور دکتر زهرا خانلری و تاریخ ادبیات فارسی دکتر شفق (البته مفصل‌تر) خوانده می‌شود. در زبان دوم ترجمه از فارسی به زبان‌های انگلیسی و اردو و بالعکس اضافه می‌شود. البته در زبان دوم دستور زبان فارسی دکتر پرویز خانلری هم خوانده می‌شود.

مدت دوره فوق لیسانس دو سال است که از سال ۱۳۷۴ به صورت ترمی درآمده است. در نیمسال اول دروس زیر تدریس می‌شوند.

۱. تاریخ ادبیات فارسی (از منابعی چون تاریخ ادبیات شفق از آغاز تا پایان دوره غزنوی؛ تاریخ ادبی براون (ج ۱ و ۲)؛ ادبیات کلاسیک فارسی از آرتور آربری؛ شعرالعجم شبلی نعمانی (ج ۱ و ۲)؛ و تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا (ج ۱ و ۲).
۲. نظم و نثر قدیم. در نثر انوار سهیلی (باب دوم)؛ سیاستنامه (فصل چهارم) و در نظم قصاید عرفی، رباعیات خیّام و ابوسعید ابوالخیر و جامی و شعرالعجم (ج ۲ و ۳) و تاریخ ادبیات شفق خوانده می‌شود.

۳. عروض و بلاغت و دستور زبان فارسی از کتاب‌های اصناف سخن؛ سراج‌البلاغه (به اردو) از کلیم‌الله حسینی؛ المعجم فی معایر اشعار العجم، شمس قیس رازی، مرآة الشعرا (به اردو) از عبدالرحمن دهلوی؛ و دستور زبان فارسی دکتر پرویز خانلری.
۴. تصوّف و عرفان. مثنوی (دفتر اوّل)؛ منطق‌الطیر (وادی اوّل)؛ شعرالعجم (ج ۲ و ۳)؛ افکار رومی از ا. سلیم (به اردو)؛ تاریخ تصوّف (دکتر قاسم غنی).

نیمسال دوم از سال اوّل

۱. تاریخ ادبیات فارسی از سلجوقیه تا قاجاریه (منابع: تاریخ ادبیات صفا؛ تاریخ ادبیات شفق و سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار، ج ۱ و ۲).
۲. نظم و نثر کلاسیک، چهار مقاله، غزلیات حافظ، سعدی و امیرخسرو دهلوی؛ شعرالعجم (ج ۲ و ۳) و تاریخ ادبیات شفق.
۳. انشاء و ترجمه. از فارسی به انگلیسی و اردو و بالعکس، داستان‌های کوتاه، داستان‌های دل‌انگیز از دکتر زهر خانلری، ترجمه مقالات روزنامه‌ها و مجله‌ها.
۴. تصوّف. منابع: صوفیسم آربری؛ تصوّف از دکتر سید وحید اشرف (به اردو)؛ بزم صوفیه از سید صباح‌الدین عبدالرحمن (به اردو)؛ بخش تصوّف دائرةالمعارف اسلامی (ج ۴).

نیمسال اوّل سال دوّم

۱. تاریخ ادبیات ایران (شفق، صفا، براون).
۲. ادبیات فارسی در قرن بیستم (منابع: نثر فارسی در دوره معاصر حسن کامشاد؛ از صبا تا نیما یحیی آرین‌پور؛ تاریخ مطبوعات، ادوارد براون).
۳. دستور زبان و انشاء نویسی (دستور زبان فارسی، دکتر خانلری؛ ترجمه از انگلیسی به فارسی و بالعکس از مجلات و روزنامه‌ها؛ داستان‌های دل‌انگیز از دکتر زهرا خانلری).
۴. تاریخ زبان فارسی از دکتر خانلری (البته ترجمه انگلیسی آن از دکتر نورالحسن انصاری، و زبان‌شناسی و زبان فارسی از دکتر خانلری).

سال دوم قدیم (به صورت سالانه نه ترمی)

۱. تاریخ ادبیات فارسی در هند، دوره مغول از بابر تا اورنگ زیب، عهد بهمنی و

قطبشاهی (منابع: تاریخ ادبیات براون، ج ۲ و ۴؛ تاریخ ادبیات فارسی دکتر شفق؛ زبان و ادبیات فارسی عبدالغنی (به انگلیسی، ج ۱ تا ۳)؛ بزم تیموریه از صباح الدین عبدالرحمن؛ قطبشاهی کادور فارسی ادب (ادب فارسی در دوره قطبشاهی) از اخترحسن (به اردو)؛ ادبیات فارسی در دکن (جنوب هند) از پرفسور شیرانی (به انگلیسی)؛ تاریخ ادبیات ایران در دکن از دیوری (به زبان انگلیسی).

۲. نثر جدید و تاریخ ادبیات قرن بیستم، انتخابی از جلد اول دریای گوهر دکتر مهدی حمیدی؛ نظم جدید و تاریخ ادبیات قرن بیستم انتخابی از جلد سوم دریای گوهر دکتر مهدی حمیدی؛ ادبیات فارسی بعد از انقلاب مشروطه از دکتر منیب الرحمن؛ نظم و نثر از جلد ۴ تاریخ ادبی ایران ادوارد براون (به انگلیسی)؛ کتاب نثر جدید از دکتر شریف حسین قاسمی.

۳. انشاء و ترجمه و دستور زبان فارسی و داستان‌های کوتاه، شامل: دستور زبان فارسی از دکتر پرویز خانلری و ترجمه از مقالات روزنامه‌ها.

۴. زبان‌شناسی ایرانی (منابع: سبک‌شناسی بهار؛ تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری؛ ترجمه جلد اول به انگلیسی از مرحوم دکتر نورالحسن انصاری و مقالات فارسی امروز).

دوره پیش دکتری

در دوره پیش دکتری فقط دروسی که در ارتباط با روش تحقیق و مرجع‌شناسی و نقد ادبی و روش تصحیح متون هستند آموزش داده می‌شوند. منابع این دروس عبارتند از: نقد ادبی دکتر زرین‌کوب و منابع انگلیسی و اردو مانند:

۱. *From Dr. Ramchand, Research methodology*؛ ۲. ریسرچ کیسی کرین؟

(متدلوژی) از دکتر نورالاسلام [به اردو]؛ ۳. تنقیدی نظریه از احتشام حسین (پرفسور)؛

۴. تحقیق و انداز نظر از دکتر کلیم الدین. ضمناً برای دانشجویان اردو زبان فارسی و زبان هندی جزو دروس اختیاری هستند که می‌توانند یکی از آنها را انتخاب کنند.

دوره دیپلم

یک ساله است و کتاب اول و دوم دبستان جمهوری اسلامی ایران و کتاب آزفا (ج اول) و مقداری دستور تدریس می‌شود.

برنامه‌های فرهنگی

یک برنامه فرهنگی ایران و حیدرآباد در سال ۱۳۷۱ با همکاری سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران (در زمان آقای مجتبی کرمی) و دانشگاه عثمانیه (گروه زبان و ادبیات فارسی) در گنبدان قطبشاهی به مدت دو روز برگزار شد. در این سمینار پژوهشگران و استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عثمانیه درباره مسائل فرهنگی و روابط ایران و حیدرآباد مقالاتی ارائه کردند. برنامه‌های هنری مانند موسیقی و غزل‌خوانی هم اجرا شد. سفیر ایران آقای رحیم رحیم‌پور و همچنین آقای سید باقر کریمیان، مسؤول خانه فرهنگ ایران در دهلی در این مراسم شرکت داشتند.

از سال ۱۳۷۲ تاکنون برنامه مبادله فرهنگی با همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران و مرکز سازمان اعانه دانشگاه‌ها در هند برقرار شده که براساس آن این جانب به سمت استاد اعزامی به دانشگاه عثمانیه اعزام شدم و تا ۱۵ آبان ماه ۱۳۷۵ این مأموریت ادامه داشت.

استادان هندی زبان فارسی

در اینجا جا دارد که به طور اختصار به زندگانی و آثار و معرفی اجمالی پایان‌نامه‌های دکتری استادان زبان فارسی در حد اطلاعات به دست آمده بپردازیم. متأسفانه با وجود کوشش فراوان نتوانستم درباره استادان قدیمی، جز یک نفر، اطلاعات زیادی به دست بیاورم.

۱. پرفسور محمدنظام الدین. مولوی فاضل، دارنده درجه Ph.D از کمبریج، صدر شعبه فارسی و رفیق (عضو) جامعه عثمانیه، صاحب تألیف ارزنده *Introduction to The Jawāmiu'l-Hikāyāt... Al-Awfi*

(درباره جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، عوفی) که جزو انتشارات اوقاف گیب (Gibb) در ۱۹۲۹ در قطع بزرگ در ۳۱۶ صفحه با مقدمه رینولد. ا. نیکلسن بسیار خوب چاپ شده است.

از آثار دیگر او می‌توان از دُررر فارسی (مجموعه نظم و نثر و نثر عصر قدیم و جدید مشتمل بر سه جزو تاریخی) نام برد که چاپ دوم آن در حیدرآباد دکن، در اعظم استیم پریس، به سال ۱۳۵۰ ق / ۱۹۳۱ منتشر شده است؛ دیگر کتاب فراندفارسی که آن هم کتاب درسی دانشگاهی است.

۲. پرفسور قاری سیدکلیم الله حسینی. مخاطب به رئیس القراءه فرزند سید شاه اسدالله حسینی. متولد حیدرآباد در ربیع الاول ۱۳۲۴ هـ. / دسامبر ۱۹۰۴ م. در کودکی مقدمات زبان عربی را از پدرش فراگرفت و پس از آن به تحصیل زبان فارسی روی آورد و در سال ۱۹۱۸ در امتحان زباندانی رشته فارسی موفق شد و درجه منشی دریافت کرد. بعد زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۹۱۹ در کالج عثمانیه برای دریافت مدرک متوسطه پذیرفته شد. وی علاوه بر اخذ درجه لیسانس و فوق لیسانس در رشته حقوق در سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) مدرک لیسانس در رشته حقوق هم از دانشگاه عثمانیه دریافت کرد و سپس به سمت مربی گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه عثمانیه گمارده شد. در سپتامبر ۱۹۲۸ برای تحقیقات علمی سفری به انگلستان کرد و با گذراندن پایان نامه خود تحت عنوان مقدمه بر تاریخ بیهق به دریافت درجه دکتری نائل آمد. این رساله را به راهنمایی سردنيس راس (Sir Donison Ross) گذراند. پس از مراجعت از انگلستان به کشورهای مختلف از جمله ایران سفر کرد. در مدت اقامت سه ماهه اش در ایران با اساتید و مقامات علمی و فرهنگی ایران از جمله محمد قزوینی، سعید نفیسی، عباس اقبال آشتیانی و نصرالله فلسفی ملاقات داشته است. وی در سال ۱۳۲۷ در زمان پرفسور محمد نظام الدین بازنشسته شد و به حج رفت. پس از مراجعت از حج دوباره به سمت استادی افتخاری برای سه سال مأمور شد. افرادی که تحت راهنمایی او پایان نامه دکتری خود را گذرانده اند عبارتند از: دکتر غلام دستگیر رشید، دکتر شریف النساء، دکتر عبدالمتان و خانم دکتر نجمه صدیقه.

وی در سال ۱۳۴۸ از طرف دولت هند به عنوان استاد ممتاز شناخته شد. و در همان سال مجدداً به حج رفت. پس از مراجعت در مسجد عبدالنبی مؤسسه‌یی به نام دارالقراءه والدينات الکلیمیه تأسیس کرد و کتابی به نام مختصر مفید فی علم التجوید چاپ کرد. پس از دو سه چاپ آن را به نام سهل تجوید مدون و چاپ کرد و سپس به انگلیسی برگردانید و بقیه عمر را به کار تدریس و تعلیم و تألیف در زمینه‌های علمی و ادبی و مذهبی گذرانید. وی همچنین از استادان بنام در فن قرآت عشره و تجوید بود. از وی آثار بسیار (بالغ بر ۱۷ کتاب) برجا مانده اند که مشهورترین آنها عبارتند از: تاریخ بیهق، رساله دکتری با مقدمه به زبان انگلیسی و حواشی و متن فارسی و فهارس سه گانه در ۷۱۹ صفحه، چاپ دانشگاه عثمانیه، ۱۳۴۷. تنمه صوان الحکمه (به عربی) تصحیح و تدوین به زبان عربی و انگلیسی.

تقدوالزواهر و عقود الجواهر رشید و طواط، چاپ حیدرآباد.

سراج البلاغة در ۲ جلد (درباره عروض و بلاغت در سه زبان عربی، فارسی و اردو).
فتوح الحرمین محیی الدین لاری با مقدمه فارسی و اردو و انگلیسی براساس نسخ
کتابخانه سالار جنگ و آصفیه. و...

۳. دکتر غلام دستگیر رشید. در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱ فوت شد. زنش عابده بیگم که
یک ماه قبل از وی درگذشته بود، ایرانی و حافظ قرآن بود. از وی پنج دختر و یک پسر
مانده است. وی از شخصیت جذّاب و گیرایی برخوردار بود. بسیار بذله‌سنج و
رقیق‌القلب بود و سخت خداپرست. وی به علوم دینی و تصوّف عشق می‌ورزید. آثار
صوفیان بزرگ همچون خواجه بنده‌نواز، نظام‌الدین اولیا و امیرخسرو و اقبال را بسیار
می‌پسندید و در تدریس مثنوی مولانا بسیار استاد بود. وی با زبان عربی آشنایی داشت و
تفسیر قرآن می‌کرد. رساله پیش‌دکتری او به زبان اردو تحت عنوان ارتقای اشعار نعتیه در
ادب فارسی بود که در سال ۱۳۳۴ در ۳۹۴ صفحه گذرانید. این رساله شامل: فهرست
تفصیلی مضامین، فهرست اسامی شعرای نعت‌گوی ممتاز، دیباچه، مقدمه و دوازده باب
و فهارس گوناگون است. نعت‌ها که از سنایی آغاز و به اقبال لاهوری ختم می‌شوند به
خوبی تجزیه و تحلیل شده‌اند. رساله دکتری وی درباره زندگی و آثار مولانای روم به
زبان اردوست و ممتحن وی علامه اقبال لاهوری بوده زیرا وی در لاهور دکترا گرفته
است.

از وی آثاری درباره اقبال و امیرخسرو نیز وجود دارد. او از طرف رئیس جمهوری
هند به پاس خدماتش به زبان و ادبیات فارسی به دریافت جایزه نائل آمد.

۴. دکتر رضیه اکبر. متولد ۱۹۲۲ (۱۳۰۱) در شهر حیدرآباد دکن، تحصیلات
مقدماتی را در نزد پدر بزرگ خود سیدسلطان حسن و پدرش سیداکبر حسن فراگرفت.
در ۱۳۲۱ از دانشگاه عثمانیه لیسانس و در ۱۳۲۳ فوق‌لیسانس ادبیات فارسی دریافت
کرد. در سال ۱۳۴۴ با گذراندن پایان‌نامه خود تحت عنوان شرح احوال و سبک اشعار
بابافغانی شیرازی از دانشگاه تهران به راهنمایی دکترحسن مینوچهر به دریافت درجه
دکتری نائل آمد. از سال ۱۳۲۳ در دانشگاه عثمانیه تدریس را آغاز کرد، و از سال ۱۳۵۷
در مقام رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی انجام وظیفه کرده است. او در سال ۱۳۷۰ به
اخذ جایزه رئیس جمهوری هند نائل آمد و در سال ۱۳۷۲ هم از طرف انجمن استادان
زبان فارسی هند به دریافت نشان افتخار و استادی ممتاز نائل آمد. برخی از آثار چاپ
شده او عبارتند از:

- نظامی گنجوی، حیدرآباد، ۱۹۶۱ (به زبان اردو).
- تأثرات سفر ایران، حیدرآباد، ۱۹۷۰ (به زبان اردو).
- شرح احوال و سبک اشعار باباافغانی شیرازی حیدرآباد، ۱۹۷۴ (فارسی).
- بخارا (یادداشت‌های صدرالدین عینی) ترجمه از فارسی به اردو، ۱۹۷۸.
- نوای پاسترناک (ترجمه سوانح خودنوشت پاسترناک) ترجمه از انگلیسی به اردو. زبده فارسی، کتاب درسی برای دانشجویان دوره لیسانس.
- پارسی نغز، کتاب درسی برای دانشجویان دوره لیسانس (جهت زبان دوم).
- نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی، حیدرآباد، ۱۹۸۲ (فارسی).
- ایران مین جدید فارسی ادب کی پچاس سال ۱۹۰۰-۱۹۵۰ (ادب فارسی جدید ایران در پنجاه سال) حیدرآباد، ۱۹۹۱ (اردو).
- علاوه بر این مقالات نامبرده به زبان‌های فارسی و اردو در مجلات معروف هند و ایران منتشر شده و آثار دیگر وی هنوز به چاپ نرسیده‌اند.
۵. دکتر شریف النساء انصاری. متولد ۲۵ مرداد ۱۳۰۷ در حیدرآباد، فرزند محمدمعین‌الدین خان انصاری و متأهل است. وی در سال ۱۳۲۷ در رشته ادبیات دیپلم گرفت و در ۱۳۲۹ کلاس دوازدهم را در دانشکده بانوان در رشته ادبیات به پایان رساند و از همین دانشکده لیسانس ادبیات دریافت کرد. سپس از دانشگاه عثمانیه به اخذ درجه فوق لیسانس و دکتری نائل آمد. همچنین دکتری زبان و ادبیات فارسی را در ۱۳۵۶ در دانشگاه تهران با گذراندن پایان‌نامه خود تحت عنوان حیات و تصنیفات ابوطالب کلیم همدانی با دریافت بورس تحصیلی از وزارت آموزش عالی ایران (در آن وقت) به پایان رساند. او مدت ۳۱ سال یعنی از ۱۳۳۷ به بعد در دانشگاه عثمانیه تدریس کرده است. از وی مقالات چندی به زبان‌های اردو، انگلیسی و فارسی منتشر شده است. وی تا سال ۱۳۶۷ که بازنشسته گردید عهده‌دار ریاست گروه بود. آثار چاپ شده وی عبارتند از:
- حیات و تصنیفات میرزا ابوطالب کلیم همدانی، حیدرآباد، انستیتو خواتین دکن، ۱۹۶۱ (اردو).
- حدائق السلاطین فی کلام الخواقین، تألیف علی بن طیفور البسطامی [تصحیح]، دهلی، نعمانی پریس، ۱۹۸۴ (فارسی).
- تاریخ عادلشاهی، چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۹۱ [تصحیح] تألیف قاضی سیدنورالله.
۶. دکتر سیده بشیرالنساء بیگم. متولد حیدرآباد در سال ۱۳۲۱. نام پدرش سید

جمیل‌الدین است. وی در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه عثمانیه لیسانس در تربیت مدرّس و دو سال بعد لیسانس در ادبیات و هنر گرفت.

دوره فوق لیسانس را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه عثمانیه گذراند، و در سال ۱۳۶۷ درجه دکتری خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه عثمانیه با گذراندن پایان‌نامه خود تحت عنوان تصحیح و تحشیه احکام عالمگیری با مقدمه اردو به راهنمایی خانم پرفسور شریف‌النساء انصاری گذراند. وی از ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ رئیس گروه فارسی بود و در ۱۳۷۱ به مدت ۶ ماه از بورس وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران استفاده کرده برای آشنایی و مکالمه زبان فارسی به ایران آمد و تاکنون پنج بار در کلاس‌های بازآموزی زبان فارسی در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی شرکت کرده است. آثارش عبارتند از:

شب و روز مسلمان، حیدرآباد، آکادمی تعمیر ملت، ۱۹۹۲ (به زبان فارسی).

جوی شیر (مجموعه مقالات به زبان اردو، زیر چاپ).

رگ تاک (مجموعه مقالات به فارسی، زیر چاپ).

همچنین مقالاتی در سمینارها و کنگره‌های ملی و بین‌المللی ایراد کرده یا چاپ

شده‌اند. مشخصات بعضی از مقالات نامبرده چنین است:

«اقبال اور ایران»، سب رس، ۱۹۸۲ (اردو).

«فارسی زبان کا اثر هندوستان کی دوسری زبانوں پر» (اثر و نفوذ زبان فارسی بر دیگر

زبان‌های هند)، سب رس، ۱۹۸۷ (اردو).

«سهم فارسی در همبستگی ملی ایران و هندوستان»، مجله تحقیقات السنه شرقی،

۱۹۸۹ (اردو).

«بازتاب افکار حافظ در اشعار اقبال»، مجله بیاض (فارسی).

«ایران کی شاعری» [شعر ایران]، مجله دانشگاه عثمانیه، ۱۹۶۱ (اردو).

ترجمه «شرح حافظ سودی بوسنوی» از ابوالقاسم رادفر، سب رس، ۱۹۹۳ (از فارسی به اردو).

ویرایش کتاب فارسی نغز و چاپ مقاله‌ی در آن کتاب تحت عنوان «ایران امروز» (به فارسی).

وی در شاعری به زبان فارسی و اردو نیز دستی دارد و مقالاتی هم درباره روابط فرهنگی ایران و هند به رشته تحریر درآورده است.

رساله دکتری او در ۲۸۱ صفحه شامل: ۱. فهرست مضامین، بررسی حالات سیاسی سلاطین مغولی هند تا زمان شاهجهان، حالات سیاسی و مذهبی عالمگیر، اوضاع اقتصادی و فرهنگی دوره عالمگیر، عالمگیر و انشاءپردازی و بحثی درباره ارزش و خصوصیات نسخ و نقائص و روش تصحیح؛ ۲. فهرست اجمالی محتویات احکام عالمگیری؛ ۳. فهرست تفصیلی محتویات؛ ۴. مقدمه موضح؛ ۵. متن احکام عالمگیری؛ ۶. فهرست مأخذ و منابع (کتابیات) است. این احکام که مجموعاً ۲۸۸ مکتوب هستند بخش عمده رساله را تشکیل می‌دهند. در پایان شش صفحه به زبان انگلیسی درباره احکام عالمگیری یا دستورات اداری اورنگ زیب عالمگیر آمده است.

۷. دکتر زیب النساء بیگم موسوی معروف به زیب حیدر، متولد ۱۳۱۹ در حیدرآباد، فرزند سیدمحمد حیدرخان. وی در سال ۱۳۴۱ از دانشکده بانوان در رشته هنرلیسانس و در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۶۶ به ترتیب از دانشکده ادبیات عثمانیه به دریافت درجه فوق‌لیسانس در رشته زبان فارسی و زبان اردو نائل آمد. همچنین در سال ۱۳۴۳ به دریافت دیپلم تربیت بدنی از دانشکده تربیت بدنی ایالتی مفتخر شده است. او دوره دکتری خود را با گذراندن پایان‌نامه خود تحت عنوان مطالعه تطبیقی دفتر دارالانشاء نواب میرنظام علیخان آصفجاه دوم به راهنمایی خانم پرفسور شریف‌النساء بیگم به سال ۱۳۶۶ گذراند. وی دو سال از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ از دفتر ایالتی تحفظ اسناد حیدرآباد بورس دریافت کرده و تاکنون سه بار از ایران دیدن کرده و سه بار هم در کلاس‌های بازآموزی زبان فارسی در دهلی شرکت کرده است.

او کار خود را از سال ۱۳۴۱ در مدرسه دخترانه «سنگاردی» آغاز کرد و در سال ۱۳۴۴ به دانشکده دخترانه محبوبیه به عنوان استاد تربیت بدنی منتقل شد و در سال ۱۳۵۱ به دانشکده تربیت بدنی به عنوان استادیار انتقال یافت و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه خدمت کرده و اکنون به عنوان ریدر = (دانشیار) در کالج بانوان تدریس می‌کند. آثار وی عبارتند از:

تاریخ دکن چندگوشی (گوشه‌هایی از تاریخ دکن) حیدرآباد، آکادمی اردو، ۱۹۹۴ (اردو). این کتاب از سوی اردو آکامی به دریافت جایزه نائل آمد.

ترجمه تواریخ آصفجاهی از قادرخان منشی بیدری، ۱۹۹۴ (به انگلیسی).

لقاب نامه آصفجاهی [تصحیح و ترجمه] (چاپ نشده).

ارمغان شعرای هند و ایران (درباره زندگانی شعرای معروف هندوایران مانند

امیرخسرو، حسن دهلوی، فردوسی، حافظ، فیضی و... (۱۹۹۶) به زبان اردو با مقدمه فارسی نویسنده این سطور).

از نامبرده بالغ بر ۶۰ مقاله به زبان‌های انگلیسی و اردو در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد در موضوعات ادبی، زندگی‌نامه، اجتماعی، دینی، اسناد و مدارک، انشائیات و روابط فرهنگی چاپ شده است.

موضوع پایان‌نامه دکتری وی که به زبان انگلیسی است مراسلات بین کمپانی هند شرقی و نظام، تیپوسلطان و نظام، پیشوایان مرهته و نظام، نوابان لکهنو و نظام و پادشاهان دهلی و نظام است و در آن از فرمان‌ها، نامه‌ها، حواله‌ها، خریطه (عهدنامه)، پروانه، قبض‌الوصول، اخبار، تقویم، چّتی (سند قرض)، تمسک (رسید قرض)، واجب‌العرض، دستورالعمل، بیع‌نامه، عقدنامه، نرخ‌نامه، التماس و مباحث دیگر بحث می‌شود. این پایان‌نامه همراه با تصاویر، نقشه، عکس نمونه فرامین و اسناد و ارجاعات و فهرس است.

۸. دکتر محمد یعقوب عمر، متولد ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۰ است. نام پدر وی محمد عمر است. او در بمبئی متولد شد، دوره لیسانس را در زبان فارسی با مدال افتخاری و فوق‌لیسانس را در زبان فارسی در دانشگاه بمبئی گذرانید و دوره دکتری خود را در دانشگاه عثمانیه با گذراندن پایان‌نامه خود تحت عنوان تأثیر غزل فارسی بر اردو تحت راهنمایی دکتر غلام عمرخان استاد زبان اردو گذراند. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۳ برای شرکت در سمینار و سخنرانی به ایران مسافرت کرده است. او به نقد شعر و ادب و عرفانیات علاقه‌مند است. او تاکنون در ۲۵ سمینار ملی و بین‌المللی شرکت جسته و یا سخنرانی کرده است که متن بیشتر آنها به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۰ مدیریت مجله ذوق نظر را داشته و در آن سرمقاله‌ها و مقاله‌های ادبی و تحقیقی نوشته است. گاهی شعر هم می‌گوید. برخی از مقالات چاپ شده وی به زبان اردو عبارتند از:

«فخر و تعلی در شعر فارسی و اردو»، دهلی نو، مجله کتاب نما.

«حافظ و اقبال»، حیدرآباد، مجله ذوق نظر.

«جهاد رئیس سلسله چشتیه بر ضد رجال پرستی»، ذوق نظر.

«جنبه‌های گوناگون زندگی سعدی»، ذوق نظر.

«تصوّر ابلیس مولانای روم و اقبال»، دهلی نو، مجله جامعه.

«حافظ و قرآن»، دهلی نو، راه اسلام.

«تعلیمات سلسله قادریه»، ذوق نظر.

«هجونگاری در شعر فارسی و اردو»، مجله کتاب نما.

پایان نامه دکتری یعقوب عمر که به زبان اردو است در ۲۶۰ صفحه اردو و ۷ صفحه انگلیسی ابتدا به شکل گیری زبان اردو و سپس غزل و مقایسه آن با غزل فارسی و مسائل مربوط به غزل و سایر صنوف سخن شعر اردو و فارسی و شباهت های آنها پرداخته و تحوّل غزل را در اردو در زمینه های گوناگون از لحاظ صوری و معنوی بررسی و نقد کرده است و انواع شعر غنایی و غزل را با نمونه های بسیار به طور تطبیقی بسیار خوب پرورانده است. رساله فوق علاوه بر مقدمه و فهرست مضامین دارای بیست باب و فهرست مآخذ است.

۹. دکتر نجمه صدیقه، متولد ۱۳۲۳ در حیدرآباد فرزند محمد ذکی الدین صدیقی، متأهل. وی در ۱۳۳۸ از مدرسه چادرگهات دیپلم گرفت و در ۱۳۴۳، ۱۳۴۵، ۱۳۵۳ به ترتیب لیسانس و فوق لیسانس و دکترا از دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه در رشته زبان و ادبیات فارسی دریافت کرد. رساله دکتری نامبرده زبان و ادبیات فارسی در دوره قطب شاهیه نام دارد که تحت نظر دکتر قاری کلیم الله حسینی در ۱۳۵۷ دفاع شده است. وی از سال ۱۳۴۷ به مدت ۹ سال در ریاستی دفتر اسنادات (آرکائیوز) بر روی اسناد فارسی کار کرده و سپس به مدت هفت سال در نظام کالج دانشگاه عثمانیه و مدت پنج سال در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه تدریس کرده است. و از سال ۱۳۶۴ در دانشکده بانوان به تدریس اشتغال دارد که هنوز ادامه دارد. نامبرده عهده دار ریاست گروه هم هست. وی یک بار در سمینار بازآموزی خانه فرهنگ ایران در دهلی شرکت کرده است. آثار وی گذشته از پایان نامه عبارتند از:

ادب فارسی در دوره قطب شاهیه، حیدرآباد (به اردو).

اسنادات دوره قطب شاهیه، حیدرآباد (به اردو).

میرمحمد مؤمن استرآبادی، حیدرآباد (به اردو).

ابن خاتون العالمی، حیدرآباد (به اردو).

مورخین قطبشاهی، حیدرآباد (به اردو).

داکرزور و تاریخ گولکنده، حیدرآباد (دکتر محی الدین زور) (به اردو).

پایان نامه وی شامل مقدمه، بخش اول نثر ادبی، بخش دوم نثر علمی، نثر فنی شاعران

و شعر، خاتمه، فرهنگ لغات دشوار، کتابشناسی (فهرست منابع) است. این رساله در ۶۹۸ صفحه به زبان انگلیسی نوشته شده است.

۱۰. دکتر رفیق فاطمه، متولد ۱۳۲۴ در حیدرآباد، فرزند محمد جمیل الدین احمد، متأهل، در ۱۳۳۹ دیپلم گرفت و در سال ۱۳۴۴ به اخذ درجه لیسانس در رشته‌های زبان فارسی، اردو، عمرانیات از دانشکده بانوان نائل آمد و فوق لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۶ از دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه و درجه دکتری را در سال ۱۳۵۶ از همان دانشگاه با گذراندن پایان‌نامه‌یی تحت عنوان زندگانی و آثار موسوی خان جرأت به راهنمایی دکتر رضیه اکبر در ۲۰۶ صفحه به زبان انگلیسی گذراندید. از دیگر آثار او خطوط میرعالم موسوم به باغ و بهار است که در ۱۳۶۷ در حیدرآباد چاپ شده است. وی از پاییز ۱۳۵۲ کار خود را با تدریس در کالج بانوان شروع کرد که ۱۶ سال ادامه داشته و از سال ۱۳۶۱ (که بخشی از این سال‌ها را در هر دو دانشکده تدریس کرده) تاکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه به تدریس مشغول است و تاکنون یک بار در کلاس‌های بازآموزی زبان فارسی در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی شرکت کرده است.

نامبرده در پایان نامه خود پس از ذکر مقدمه و علائم اختصاری به دوره آصف جاه اوگه و زندگی او و سپس به زندگی جرأت و فنّ نامه‌نگاری او پرداخته و در فصل بعد زندگی و کار جرأت را به عنوان یک انشاءنویس مورد بررسی قرار داده و آنگاه ارزش منابع را بررسی کرده است. بعد فهرست منشآت جرأت و مکاتیب او آمده است.

۱۱. دکتر نجم‌السناء شریف، متولد ۱۳۲۶ در حیدرآباد، فرزند دکتر محمدجمال شریف. وی در ۱۳۴۷ در رشته هنر از کالج بانوان لیسانس گرفت و در ۱۳۵۰ از دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه درجه فوق لیسانس و در ۱۳۵۹ از همان دانشکده به اخذ درجه دکتری نائل آمد. رساله دکتری وی تحت عنوان تصحیح انتقادی مکاتیب شاه عباس صفوی به راهنمایی دکتر رضیه اکبرحسن در ۱۳۵۷ دفاع شد. این رساله که در دو بخش فارسی و انگلیسی است ۵۶۴ صفحه دارد. بخش عمده آن نامه‌های شاه عباس به اکبرشاه (۴ نامه)، جهانگیر (۲۲ نامه)، شاهجهان (۴ نامه) و نامه‌های دیگر است. محل کار او در حال حاضر دانشگاه انوارالعلوم است. وی مجموعاً دو سال در نظام کالج و دانشگاه عثمانیه و پنج سال در دانشگاه نامپلی درس داده و چهار سال است که در انوارالعلوم درس می‌دهد.

۱۲. رضیه سلطانه، متولد ۱۴ مهر ۱۳۲۰ در حیدرآباد، فرزند مرحوم محمد امتیازالحق و متأهل است. از دانشگاه عثمانیه در سال ۱۳۴۵ لیسانس ادبیات و در ۱۳۴۷ فوق لیسانس ادبیات دریافت کرد. عنوان رساله فوق لیسانس وی شاعری حسن سنجری است. او از سال ۱۳۵۳ در کالج انوارالعلوم به تدریس زبان فارسی اشتغال دارد.

۱۳. الطاف النساء بیگم، متولد ۱۳۱۵ در حیدرآباد، فرزند حکیم ضیاءالله خان، دارای درجه لیسانس در رشته هنر از دانشگاه عثمانیه در سال ۱۳۶۷ و درجه فوق لیسانس در رشته زبان فارسی از همان دانشگاه در سال ۱۳۶۸ است و دوره پیش دکتری (M. Phil) خود را از زمستان ۱۳۷۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه عثمانیه شروع کرده است. موضوع پایان نامه او پیشرفت زبان و ادب فارسی در دوره پادشاهان آصف جاهی (به انگلیسی) است. وی از سال ۱۳۶۸ مدرّس زبان فارسی شهکار کالج، مخصوص بانوان و کالج انوارالعلوم است.

۱۴. سید محمد تنویرالدین خدانمایی، فرزند سید اسمعیل معروف به ذبیح الله شاه خدانمایی در حیدرآباد متولد شد. دارای درجه فوق لیسانس در رشته زبان عربی از دانشگاه عثمانیه و استاد فارسی جامعه نظامیه حیدرآباد و مدرّس زبان فارسی در دانشکده بانوان، و از اواسط سال ۱۳۷۳ مأمور تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه است. وی ضمناً مشغول گذراندن پایان نامه دوره دکتری خود تحت عنوان تصحیح و تدوین دُرر نظامی به راهنمایی دکتر محمد یعقوب عمر است. از آثار چاپ شده او علاوه بر مقالاتی به اردو کتاب دستور زبان فارسی مسمی به انوارالتنویر است که در سال ۱۳۶۸ در حیدرآباد چاپ شده است. آثار دیگری نیز دارد که هنوز چاپ نشده اند.

رساله های دیگر که در دانشکده ادبیات دانشگاه عثمانیه نوشته شده اند

۱. نقد و بررسی مسائل و تحولات شعر امروز ایران در پنجاه ساله اخیر، از محمد جعفر جعفرنژاد (به فارسی) به راهنمایی دکتر شریف النساء انصاری در ۳۱۰ صفحه (۱۳۵۹).

۲. زندگانی و آثار نعمت خان عالی، رساله دکتری از سیدعباس حسین نقوی (به انگلیسی و فارسی) به راهنمایی دکتر رضیه اکبرحسن، دانشگاه عثمانیه، ۱۳۵۷ در ۲۳۷ صفحه.

۳. شرح حال حضرت سلطانعلی شاه شهید (گنابادی)، رساله دکتری از محمد رضا جوکار (به فارسی) به راهنمایی دکتر رضیه اکبر، ۱۳۶۳ در ۲۵۱ صفحه.
۴. زندگانی و آثار ملک قمی، رساله دکتری خانم سیده اختر زیدی (به انگلیسی) به راهنمایی دکتر شریف النساء انصاری، ۱۳۶۸ در ۲۷۹ ص.

علل و اسباب سقوط پایگاه زبان فارسی در حیدرآباد

همان طور که اشاره شد عوامل تنزل این زبان در تمام ایالات هند کم و بیش یکسان هستند. ریشه این مسأله را باید در مدارس جست و جو کرد، زیرا در ایالت حیدرآباد تا زمان انقراض دولت آصفجاهی تدریس زبان فارسی همچنان رواج داشت اما از این دوره به بعد کم کم عاملان استعمار و مخالفان استقلال ملل شرق و دشمنان مسلمانان سعی کردند که مردم مشرق زمین را با فرهنگ و مکتب خود بیگانه کنند و در این راه به موفقیت‌های چشمگیری هم نائل آمدند. نفوذ و رسوخ فرهنگ انگلیسی در شبه قاره موجب پدیدار شدن تحولات اجتماعی شد. به دنبال آن فراگرفتن زبان انگلیسی به جای فارسی نشانه امتیاز شد و زبان فارسی به تدریج از مدرسه‌ها رخت بریست و تدریس انگلیسی اجباری گشت و زبان‌های هندی و تگلو (زبان محلی حیدرآباد) موقعیت زبان‌های ایالتی و دولتی پیدا کردند و امکانات رشد و توسعه را از سوی دولت به خود جلب کردند در حالی که از جانب مسؤلان اهمیتی به زبان فارسی داده نمی شد. پس از استقلال این کشور زبان فارسی جزو زبان‌های قدیمی و کهن قرار گرفت و برخلاف زبان عربی و سنسکریت که موقعیت مذهبی در میان مسلمانان و هندوان داشتند زبان فارسی فاقد این امکانات بود و فقط استادان و دانشجویان زبان فارسی و برخی علاقه‌مندان از آن پاسداری می کردند.

نکته دیگر کمبود استاد ماهر زبان فارسی در تمام دانشگاه‌هایی است که زبان فارسی در آنها تدریس می شود. البته بی توجهی اولیای امور هم در انحطاط و بی رونقی زبان فارسی دخیل بوده است، هر چند که اخیراً از سوی انجمن استادان زبان فارسی اقداماتی انجام گرفته و امید می رود که در آینده نه چندان دور اقدامات اساسی تری صورت پذیرد. البته زمامداران را نباید صرفاً مسؤل این بی رونقی و عدم رواج زبان فارسی دانست. زیرا که برخی از استادان و پاسداران زبان فارسی هم در این امر بزرگ به علت کم کاری مقصرند چون که در طول خدمات دانشگاهی خود کارهای اندکی در زمینه‌های تالیف،

تصحیح و ترجمه انجام می‌دهند در حالی که به علت وفور نسخ نادر خطی فارسی و دیگر امکانات باید تلاش بیشتری در این زمینه مبذول کنند. دیگر این که دانشجویان زبان فارسی به علت آگاهی از سوابق زبان فارسی در هند و آثار درخشان گذشته صرف نظر از عدم جاذبه تأمین شغل در آینده ارزش چندانی به رشته خود نمی‌دهند و همیشه کمترین تعداد دانشجوی متعلق به رشته زبان فارسی است. آن تعداد پذیرفته شده هم که تقریباً تمام شرکت کنندگان در کنکور هستند به علت کمی داوطلب پذیرفته می‌شوند و در طول سال تحصیلی هم به طور مرتب در کلاس‌ها شرکت نمی‌کنند. در نتیجه آن ارزش و مقامی را که باید خود متولیان زبان فارسی و کوشندگان گسترش این زبان به آن بدهند نمی‌دهند. بنابراین تعجبی ندارد که زبان فارسی در شبه قاره از جمله حیدرآباد روزه‌روز اعتبار خود را از دست بدهد. البته برپایی سمینارها و کلاس‌ها و دادن امکانات مادی و تشویق‌های معنوی و اعطای بورس‌ها و اعزام دانشجویان و استادان برجسته به ایران و در اختیار نهادن کتاب و نوار و فرهنگ دوزبانه به دانشجویان می‌توانند مؤثر باشند.

از آن جا که در حیدرآباد دانشکده‌ها و مراکز آموزش زبان فارسی متعدد هستند و تعداد داوطلبان زبان فارسی بسیار است باید ترتیبی اتخاذ گردد که آنان هرچه بهتر تربیت شوند و مهارت‌های لازم را به دست آورند زیرا فقط در آینده زبندگان این دانشجویان هستند که می‌توانند چراغ نیم‌مرده زبان فارسی را زنده و روشن نگاه دارند.

نکته دیگری که می‌تواند تا حدی آنان را به ادامه تحصیل زبان فارسی یاری دهد و یا علاقه‌مندان زبان فارسی از دیگر رشته‌ها را به فراگیری تشویق کند برخورد صمیمانه و در اختیار گذاشتن امکانات آموزشی و فراهم آوردن کتاب درسی نظم و نثر، دستور زبان و فرهنگ‌های دوزبانه انگلیسی به فارسی و بالعکس است که تا حدودی این امکانات از طریق سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران به استادان زبان فارسی حیدرآباد داده شده و ارائه آن به استادان زبان اردو و علاقه‌مندان برجسته، پس از گذراندن دوره آموزش زبان فارسی و اخذ امتحان می‌تواند کمک مؤثری در راه پیشرفت زبان فارسی و آوردن آب رفته به جو باشد.

نکته دیگر که در تقویت زبان فارسی در شبه قاره از جمله حیدرآباد باید بدان توجه شود آموزش زبان اردو است که حدود ۶۰ درصد واژه‌ها و اصطلاحات آن از زبان‌های فارسی و عربی متداول در فارسی گرفته شده است.

مسئله دیگری که برای احیا و توسعه زبان فارسی در شبه قاره بالاخص در حیدرآباد

باید بدان توجه شود وجود کتابخانه‌های بزرگ سرشار از نسخه‌های خطی فارسی است که استفاده از آن نسخ و تصحیح و نشر آنها به عهده استادان و محققان زبان فارسی است. همچنین وجود اسناد و مسکوکات و مکاتیب سلاطین به زبان فارسی در کتابخانه‌های این شهر که در مقایسه با نسخ عربی و سانسکریت از کمیت قابل ملاحظه برخوردارند بر مسؤلیت ما می‌افزاید، زیرا به علت نبودن اشخاص کارآمد و وارد به تصحیح متون به روش انتقادی اکثر این نسخ نادر و کمیاب بر اثر وضعیت نامساعد محیط و رطوبت و در اختیار نگذاشتن آنها به غیر از هندیان (البته استثناهایی وجود دارد) کمتر منتشر می‌شوند و در اختیار علاقه‌مندان قرار نمی‌گیرند و به قول یکی از اساتید زبان فارسی هند خوراک کرم و موربانه می‌شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی